

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لقد أتتكم
المنظومة
التي

بسم اللہ الرحمن الرحیم

بسم اللہ الرحمن الرحیم

تین پختن چور دو تری سات تیرہ سترہ جملہ ایک سو فرض ای

تشریح

۵ بنا اسلام کے فرض ۵ وقت کی نماز تہ نمازوں کی نیت جملہ ۵

۴ کرسی ۴ مذیب ۴ وضو کے فرض جملہ ۱۲

۳ فرض غسل کے ۳ فرض تیمم کے جملہ ۶

۳ رمضان المبارک کے روزی ۳۰ نیت جملہ ۶۰

۷ صفت ایمان کے - ا امنت باللا آ وملتکلمہ

۳ وکتبہ تم ورسطہ ۵ والیوم اخر الموت

۶ والقد رخصر ۵ وبتبیر لا والبعث بعد

۱۳ احکام و ارکان آ نون پاک ۲ کمر پاک ۳ جای پاک

تم سترہ وکلمنا ۵ نماز کا وقت پہنچانا ۶ منہ قبلہ کی طرف نیت

ارکان ۱ تکبیر خیمہ ۲ قیام ۳ رکوع ۴ سجدہ ۵ رات ۶ تہیہ آخری

جملہ ۱۱

۱۷ فرض جملہ نماز کے

ترغيب الصلاة

تصنيف مولانا العلامة محمد بن احمد الزاهد
الملقب بالترين رحمه الله

مالك صوبدار حيدرآباد
من قلمه

قدوری منظومه و شرح منظومه و متنق و نافع و شرح نافع و جامع الصغیر
 و جامع الكبير و ذخیره و محیط و شرح علای و مبسوط و واد شرح وانی و کافی و مختصر
 کافی و شامل سہتی و مصنفی و کنز الدقائق و مناقب العلوم و منافع و کفایہ سہتی
 و الفع و ہدایہ و تحفۃ الفقہا و بیابیح و فتاوی خانی و فتاوی ظہری و فتاوی
 سراجی و فتاوی حجت بلخی و فتاوی سمرقندی و نصاب الفقہ و منتخب قدوری
 و جامع الاصول و فتاوی مسعود و خلاصۃ الفتاوی و فتاوی ملقط و فتاوی
 کبیری و فتاوی صغری و صلوۃ مسعودی و حقائق علمی و شرح طحاوی و اصول زرد
 و اصول حسا و شارح النوار و ریالاجنک و بستان فقیہ ابو اللیث سمرقندی
 و تفسیر و تفسیر امام زاہد و شرح الاسلام و فتاوی حقائق و ملقطی الحار و
 و کیمیاء سعادت و تاج الانسا و طحاوی و اسباب المغفرۃ و صحیحین و فتاوی برخندی و
 و ثلثۃ الفقہ و عمدۃ الفتاوی و عمدۃ المفتی و مختصر ایضاح و التہذیب شرح صدور
 و خلاصہ و مجموع النوار و تفسیر کامل و صحاح و تفسیر المعانی و بصائر اللغۃ
 و مغرب و منتخب و جامع الاصول و جامع کبیر و حد و منثور و وروضہ زندوسی
 و فتاوی مرغنانی و واقعات ناطقی و تفسیر کنز المعانی و موضح و اجبار شہاب
 و استخسان و شرح کرخی و وصایا و تہذیب ابو اللیث و لوازم البیان و مجمع الامثا

فر و شیون المسایل و جامع المصنوع و ملل و کفایہ و ذلالتہ القا
 و فتاوی عتالی و مختلف فقہ و فروع ناطقی و زاد الفقہما و نوادر الفقہ و
 اسناد الجن و الالاس نجم الدین عمر نسفی و اربعین تامل کر الزنجاری و امثال شود
 در کتابی نام برودہ شدہ است انجا بنکر و تا و قوف بد و اگر خواهد کہ آن فصل را
 مطالعہ کند بالائی ہری رقم زدہ آمد ہندسہ ہرق کہ آن کتاب بدان فصل بعد از
 ورق سہت مطالعہ و اللہ اعلم **قسم اول** **کتاب پنجاہ** و سہ فصل است
فصل اول در تحریر نماز **فصل دوم** در تفسیر نفس صلوۃ
 ۱۶ صفحہ در فرائض صلوۃ **فصل سوم** در بیان ستر عورت و مرد و زن
فصل پنجم در معرفت قبلہ **فصل ششم** در فرضیت
 ادائی صلوۃ در وقت **فصل ہفتم** در بیان کیفیت نیت نماز
ہشتم در فرضیت تکبیر افتتاح **فصل نہم** در اوقات صلوۃ
فصل دہم در اوقات مکروہہ **فصل یازدہم** در بیان نماز
فصل دوازدهم در فرضیت جماعت و ثواب آن **فصل سزدهم**
 در کیفیت مسجد رفتن **فصل چہاردهم** در کیفیت جماعت **فصل**
 پانزدہم در بیان امامت **فصل شانزدهم** در جواز افتادہ عدم جواز
 و غیرہ

۱۴۱

و چون وقت هر دو رود وضو باطل شود و اینجا تمییز است که نمیکند در ایشان وقتی مکر
 آنکه حدیث یافته شود در الوقت نفاس خونی است که زن بعد از زادن فرزند
 پند هر خونی که زن حامله بیند استحاضه است و نزدیک امام غنی رحمه الله حیض است
 چه در منظومه آورده **والحیض فی الحامل ایضا یوجد سقطه**
 اگر پیدا شده است بعضی از خلقت او ولد باشد و صاحب نفاس کرد و اگر مطلقه
 باشد از عدت هر دو آن آید و اگر کنسیرک بود ام ولد کرد و اقل نفاس حدیث است
 و اکثر نفاس چهار روز است و چون زاید بر چهار روز باشد استحاضه باشد
 و اگر زنی دو بچه یک شکم زادن نفاس او نزدیک امام اعظم علیه السلام و امام ابو یوسف
 رحمه الله اول باشد نزدیک امام محمد و امام زفر رحمه الله اول ولد ثانی باشد
 این کتاب در بیان احوال و نجاست است و این چهار فصل
 در تقسیم احوال بدانکه حدیث برد و نوع است حقیقی
 است و حکمی است اما حدیث حقیقی چنانکه بول و غایط اما حدیث حکمی چنانکه
 خواب هموشی و دیوانگی و خن و فمقه در نماز که ذات رکوع و سجود باشد
 در تقسیم نجاست بدانکه نجاست برد و نوع است غلیظه و خفیفه و باز هر یک از
 نوع است مرئی و غیر مرئی اما نجاست غلیظه چنانکه خون دریم و زرد است

دینی ادب

دینی و بول آدمی و غایط و خمر و مردار و پس افکنده ماکیان و بطایعی و آنچه پوست
 او نخوردند آنکه بغل و حمار و پیل و پس خورده مسک و خاک و در کان دشتی
 و سرین مطلقا نزدیک امام اعظم رحمه الله نجاست غلیظه است اما نزدیک امام ابو یوسف
 و محمد رحمه الله سرین خرومشل آن مطلقا نجاست خفیفه است چه در منظومه
 در باب امام اعظم آمده است خلاف صاحب **ولیس حیض الا**
فوق الدرهم و قدره بالا اکثر المعظم اما نزدیک
 امام زفر رحمه الله بفضیل است سرین ماکول اللحم خفیفه است و سرین
 غیر ماکول اللحم غلیظه است و رویت مایوکل فی خفیفه و
الاکل تقوی و صفة فاطماصل بقول علی ثلثه رحمه الله حکم نجاست
 غلیظه است که اگر مقدار درم شرعی بجا برسد نماز بان روا باشد و نزدیک امام
 شافعی رحمه الله اگر چه مکر از درمی شرعی باشد نماز روا نبود و در زیادت درم
 شرعی اجماع است که روا باشد و در مقدار درم شرعی اختلاف است نزدیک
 بعضی مقدار کف دستی و کف دستی مقدار تنگ است چه بعضی چه بطول
 اگر چه نجاستی رسد شل عرض تمام کف مانع حواصلو باشد
 و نزدیک بعضی درم شرعی مقدار معقد است و این اشاره قدوری است

تجاوزت النجاست من مخرجها لم ينج فيه الماء
 او المانع في الحاصل انك نجاست مقدار درمی معتبرست بسطاً
 معتبرست ویاوزنگارین نیز اختلاف است نزدیک بعضی مشایخ
 رحمهم الله بسط درم معتبرست و نزدیک بعضی وزن درم معتبرست
 اما صحیح روایات و مختار فتوی سنت که امام جعفرینند و ارحمهم الله سبک بود که اگر نجاست
 رقیقه است چنانکه بول و خمر مقدار درم بسطاً معتبرست و اگر نجاست
 متخذه است یعنی تن دار چنانکه خون و ریج و منی و عذره و سکرین مقدار
 درمی و سزنا معتبرست و درم چهار دانگ است و دانگ شش حبه است
 و حبه دو جو است این بیان نجاست غلیظ است که تقریر افتاد اما نجاست
 خفیفه سنت که بول ما کول اللحم حیوانه شتر و گاو و گوسفند و بول اسب
 زرد بول محمد رحمهم الله پاکست و خفیفه است پس انداخته سباع طیر حیوانه
 شاهین و باز و عقاب و غلیوار و حکم خفیفه سنت مادام که بر ربع
 رسیده است عفو بود و چون بر ربع جامه رسید پدید شود معتبر ربع کل جامه
 در دایمی صحیح نه ربعی موضع که نجاست بدانجا رسیده است اگر پس انداخته
 سباع طیر در آوندی افتاد آن آوند پدید نشود بنا بر تعذر بکشد سنت است

از و فتوی

از و فتوی بر نیت خونی که در رگ های ذبایح و در گوشت وی با ماند جامه را
 پلید نکند اگر چه زیاد بر قدر درم شرعی بود و نزدیک امام ابو یوسف رحمهم الله
 در اکل عفو است و در ثوب عفو نیست زیرا که احتراز از او در ثوب ممکن است و در
 اکل عفو نیست ممکن نیست اما مختار است که عفو است در ثوب و اکل دانگ
 احمر است القدر و پاکست خون ما و لیک و خون پشه و پیش و سب است
 خون گنده و گردش دشتی و عفو است لعاب سب و حمار و بولی که منتضخ شود
 بر جامه یعنی ذره های که مثل سموزن بجایه رسد و عفو است بول پس انداخته
 موش و روست تطهیر مسجد بکل و سکرین چون کل غالب باشد و آب پاک
 سرشته باشد و بر خلاف این جایز نبود رفتن در خلایب روز باران یا
 رانی کشید اگر چه مختلط باشد بجزرات چون مطر غالب باشد و خلایب را
 باشد و جامه نیز پلید گزیند اگر چه شیر فاحش باشد لعموم البلیق
 هو الصبیح و هم از نجاست که مشایخ رحمهم الله فتوی داده اند و گفته
 طین بخار ظاهر است اگر چه مختلط است بجزرات اگر گوسفند و اسب بدن ما
 از ما کول اللحم در چابول کرد جمله آب بیرون کشند نزدیک امام اعظم
 و ابو یوسف رحمهم الله و امام محمد سبک بود رحمهم الله کشند مگر آنکه غالب شود در

بول گربه و بول دوس از افتة خواصی از حکم است
 در جامه یا در آب و عفو نیست

تطهیر

از طهوریه بیرون آید و اصل این مسئله آنست که بول مایو کل
 لحظه نزدیک امام محمد پاک است و در منظومه است در باب او **است**
 و طاهر بول اللواتی توکل و نزدیک امام اعظم و ابویو رحمة الله
 نجس است خفیفه و شرب بول مایو کل محمد نزدیک امام اعظم حرام است
 ندای و غیر ندای و نزدیک امام ابویوسف بر انداد حلال است و غیر ندای
 حرام است و نجس و نزدیک امام محمد رحمه الله حرام است شرب او بر اندای
 و غیر ندای دلیل امام ابویو و امام محمد رحمه الله آنست که اهل قبیله که آن قبیله را
 عزه خوانند نجس است رسول علیه السلام آمدند و شکم های ایشان اماسیده بود
 و منتفخ شده بود رسول علیه الصلوة والسلام ایشان را فرمان داد بشرب
 و لبان که بر دید بول شیر شتران صدقات را بخورید ایشان گفتند
 اینجا شتران صدقات بود شیر بول ایشان را بخورند تا صحت یافتند
 تا اگر نجس و حرام بود رسول علیه السلام فرمان نداد بشرب نجاست زیرا که استعمال
 نجاست با جمیع حرام است اما تمسک امام اعظم رحمه الله آنست که است قول
 علیه الصلوة والسلام استنزه هو عن البول فان
 عامته عذاب القبر من رسول علیه الصلوة والسلام امر کرده برین
 بول که اگر

بول که اگر بول پاک بود رسول علیه السلام نفرمودی بر غیرین از و او بول این
 که ایشان تمسک کرده اند آنست رسول علیه السلام تمسک اهل عزه در بول شتر
 بوجی معلوم شده بود و آنجا صد در حق ایشان است که رسول علیه الصلوة والسلام
 فرمود مختاراً بینه فتوی ببول امام اعظم است که شرب بول رسولیت اصلاً
 آنچه حکم بول حیوان بود گفته اند اما شیر حیوان را حکم حیست بدانکه شیر است
 امام ابویوسف و محمد پاکست شاید خوردن از ابوحنیفه رحمه الله دور و آنست
 بر نیست که پاکست اما حرام است خوردن آن داین روایت در **فنا و صانی**
 شیر خر بقول امام مالک رحمه الله پاکست و بقول علماء مانیر بر او صحیح پاکست
 خوردن شاید همچنانکه شیر آدمی و کل پاکست شاید خوردن اما شیر سگ
 حکم حیست در نوادر الفقهاء از امام محمد رحمه الله روایت که آب دمان
 سگ و آب پنی و آب چشم و عرق او پس دست هم چنانکه شیر پلید
 اینجمله را بشیر از برای آن اضافت کرده است تا کسی را در شیر سگ میلی
 نباشد و سگ با اسد در جمله احکام گفته ایم برابر است **فصل ششم در بیان**
نجاستی بدانکه نجاست مرئی بازالت عین نجاست طهارت نبرد
 و آنچه بازالت زایل نشود عفو است چنانکه حنا نجس را بردست نهد رنگ

فصل چهارم در بیان نجاست غیر مری و نجاست غیر مری طهارت
 نه پذیرد مادام که غالب نشود برطن غاسل طهارت او اما طهارت اینست
 و تیغ و آنچه بدن مانده مسح کردن بر زمین حاصل شود مگر آنکه آن مسح
 بات نجس سرد کرده با آن آهن مسح کردن بر زمین پاک نشود تا که بار
 دیگر گرم نکنند و در آب پاک سرد نکنند و حکم آوند نو اگر نجاست سرد
 و حکم آنکه شبلیده نشود چنانچه موزه و کفش و آب و بوریالنت که سه بار
 بشویند و هر بار خشک کنند تا طهارت پذیرد و در زمین اتفاق علمائست
 اگر خشک شد و اثر نجاست نماند پاک گردد و اگر باقی باشد و تمیز نورد
 امام شافعی رحمه الله اگر چه هیچ اثر نمانده با پاک نکرده و اگر موزه نجاست
 رسین یعنی تن دار و خشک شد و بقول امام اعظم رحمه الله علیه مالیدن بر زمین
 پاک شود و اگر تر باشد پاک نشود و نزدیک امام محمد رحمه الله در هر دو صورت پاک نشود
 و نزدیک امام ابو یوسف رحمه الله علیه در هر دو صورت پاک نشود و فتوی بر قول
 امام ابو یوسف است در نجاست که جرم ندارد و قیق است چون بول و خمر و
 آن تر و خشک برابر با اتفاق پاک نشود مگر شستن اما اگر منی بجای رسین
 یا موزه چون خشک شود بمالیدن پاک شود و اگر تر باشد پاک نشود تا آن چیز
 نشویند

نشویند و این نزدیک علمائست اما نزدیک امام شافعی رحمه الله پاک است
 ما مکان منی پاک است و خشک
 آن برابر است و این روایت در منظومه است
 در باب او تم المنی طاهر بلا
 حرج و الاعتساک واجب

کف خرج

تمت تمام شدن کتاب مستی ترغیب الصلوة برای خاطر عاظر عالیشان بلند مکان
 محمد تیموشاگرد حضرت محمد غوث صاحب کلمه اللذاته و امعاجیا تاریخ مسیت دوم
 المظفر سنه ۱۲۵۱ هجری بدست یحیی خاکی خلق الله لایعین سید محمود ولد میر عزیز الله
 ریر عالم المینی القادر النفسیند عفی الله عنه وعن والديه و حسن الیهما تحریر یافت امید که
 هر که خواند و به بند در حق مصنف و کاتب دعا نماید آمین آمین آمین
 اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و بارک وسلم اللهم صل
 محمد بعدد کل معلوماتک اللهم انی اسئلك بحق
 محمد و رسالتہ و بصدق ابي بکر و خلافتہ و بعد
 عمر و صلاحته و بحیاء عثمان و سخاوتہ و بعلم علی و

شجاعته و سخاوت الحسن و تربته و شهادت الحسين
و غرته و بعزة عائشه و مناقبها و مجرمة
فاطمة و فضيلتها تو فني مسلمين و الحقني بالصا
و صلى الله تعالى على خير خلقه محمد و آله و اصحابه
اجمعين و تبع تابعين برحمتك يا ارحم الراحمين

بدو روپيد از ضرب دکن از حافظ اولی ابر خنده شده
در بلده حیدر آباد دکن دوم دوسه ۱۷ جاوی الاوه سنه ۱۰۴۰

الکوفی

نَهْأَلَهْ أَلْمَهْأَلَهْ